

# تطبیق دیباجه شاهنامه با متون زرتشتی

دکتر هاشم محمّدی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد گچساران

## چکیده

از مقایسه دیباجه شاهنامه با متون زرتشتی چنین برمی آید که فردوسی با اندیشه و فلسفه ایرانی آشنا بوده است. بسیاری از عبارات، صفات و ویژگی‌های به کار رفته درباره خداوند، به یکسان در مقدمه شاهنامه و متون زرتشتی دیده می‌شود؛ البته تمایزهایی نیز از این نظر بین این دو وجود دارد. این مشابهت‌ها و تمایزها در مقاله حاضر، در دو بخش جداگانه معرفی و بررسی شده است. کلیدواژه‌ها: پروردگار، اهورامزدا، اهریمن، آفرینش، اندیشه و فلسفه و عقاید ایرانی و اسلامی.

حکیم ابوالقاسم فردوسی در بهره‌گیری از منابع خود و بررسی متون پهلوی و داستان‌ها و اساطیر ایران، با اندیشه و فلسفه ایرانی نیز آشنا بوده است. «گویاجی» می‌نویسد: «فردوسی نه تنها نماینده و جانشین سنت تاریخی زبان پهلوی است، بلکه نمایشگر تفکرات و عقاید فلسفی مطرح شده در آن زبان نیز هست.» (۲:۱۳۷۱)

در داستان مینوی خرد، (۱۳:۱۳۶۴) در ۶۲ پرسشی که شخصیتی خیالی به نام دانا مطرح می‌کند و مینوی خرد (روح عقل) به او پاسخ می‌گوید، با اندیشه‌ای روبه‌رو می‌شویم که فردوسی آنها را در مقدمه خود آورده است:

آفریدگار بسیار نیک این مخلوقات را به خرد آفرید؛ و آنان را به خرد نگاه می‌دارد.  
از همه نیکی‌هایی که به مردمان می‌رسد، خرد بهتر است زیرا که گیتی را به نیروی  
خرد می‌توان اداره کرد:

به نام خداوند جان و خرد      کزین برتر اندیشه برنگذرد

(ب ۱)

در بند ۱۱ و ۱۳ اشتودگات آمده است (اوستا، ۱۳۷۰: ج ۱، ص ۱۴: یسنا، ۱۳۸۰: هات ۳۰):  
اهورامزدا را آفریننده انسان و بخشنده نیروی خرد و اندیشه و آزادی دانسته و او را از همه  
اسرار آشکار و نهان و رویدادهای گذشته و آینده باخبر می‌سازد:

توئی کرده کردگار جهان      ببینی همه آشکار و نهان

(ب ۳۱)

به هستیش باید که خستو شوی      ز گرفتار بیکار یکسو شوی

(ب ۱۲)

خداوند سرچشمه همه نیکی‌ها و زیبایی‌هاست و تو هم باید نیکی را پیشه خود  
سازی:

همه نیکیت باید آغاز کرد      چون با نیکامان بوی همزورد

(ب ۱۷)

راه رسیدن به خدای یگانه و دانا پرورش منش پاک و راستی و درستی و خدمت به  
مردم و مهر و محبت و ایمان کامل است (بند ۹، هات ۴۴). ای مزدا در پرتو راستی و منش  
پاک با سرسپردگی و ایمان کامل و خدمت به مردم سرانجام به بارگاه هستی‌بخش  
می‌توان رسید:

پرستنده باشی و جوینده راه      به ژرفی به فرمانش کردن نگاه

(ب ۱۳)

واژه‌ای که در گاتاها برای چنین پروردگار بزرگی به کار برده شده، گاهی مزدا (دانای  
بزرگ یا آفریننده بزرگ) و گاهی اهورا (هستی‌بخش و آفریدگار) و گاهی به صورت ترکیبی

اهورامزدا (مفهوم هستی‌بخش بزرگ دانا یا همان خداوند جان و خرد) است. این واژه‌ها در دوره هخامنشیان و ساسانیان به صورت اهورامزدا و اورمزد درآمده و امروزه به همین نام موصوف است.

ای هستی‌بخش دانا، من می‌دانم، ای مزدا اهورا که تنها آفریننده و سازنده و در پرتو حکمت خویش به وجود آورنده همه اینها و تمامی آفرینش جهان هستی. (اشتردگات - هات ۴۴ - بند ۷)

در بندهشن (۱۳۶۹: ۳۵) آمده است: اورمزد از آفریدگان مادی، نخست آسمان، دوم آب و سوم زمین و چهارم گیاه و پنجم جانور و ششم انسان را آفرید. در هفتمین یشت، کرده سوم، بند اول آمده است: اهورامزدا را می‌ستایم که همه آفریدگان را با قانون اشا (یعنی نظم کامل طبیعت) آفرید. آب‌ها بیافرید، گیاهان سودمند و روشنایی بیافرید و همه نعمت‌های نیک بیافرید:

سربالید کوه آب‌ها بردمید	سر رستنی سوی بالا کشید
گیاه است با چندگونه درخت	به زیر اندر آمد سرانشان زبخت
یکی آتشی برشده تابناک	میان آب و باد از بر تیره خاک
نخستین که آتش به جنبش دمید	ز گرمیش پس خشکی آمد پدید
و زان پس ز آرام سردی نمود	ز سردی همان بازتری فزود

چنین گوید: «به‌دین که نخستین آفریده همه آب سرشکی بود؛ زیرا همه چیز از آب بود، جز تخمه مردمان و گوسفندان، زیرا آنان را تخمه آتش است. او نخست آسمان را آفرید، برای بازداشتن اهریمن و دیوان، باشد که آن آفرینش را آغازی خوانند؛ دیگر آب را آفرید برای ازمیان‌بردن درد به تشنگی؛ سوم زمین را آفرید، همه مادی؛ چهارم گیاه را آفرید؛ پنجم گوسفند را برای مردم پرهیزکار آفرید؛ و ششم مرد پرهیزکار را آفرید برای ازمیان‌بردن و ازکارافکندن اهریمن و همه دیوان، سپس آتش را آفرید.» (بندهشن‌ندی، ۱۳۶۸: ۷).

چو زین بگذری مردم آید پدید شد این بندها را سراسر کلید

سرش راست برشد چو سرو بلند      به گفتار خوب و خرد کاربند  
پذیرنده هوش و رای و خرد      مرا او را دد و دام فرمان برد

(ب ۶۲-۶۰)

در بند ۷، هات ۳-۱ یسنا آمده است: «اوست نخستین اندیشه گری که افلاک را رخشان ساخت و با نیروی خرد خویش قانون راستی بیافرید تا نیک اندیشان را یاور و پشتیبان باشد:

ستاره به سر بر شکفتی نمود      به خاک اندرون روشنایی فرزد

(ب ۵۰)

پروردگار یکتا نورالانوار را با دانش و خرد تغییرناپذیر و همیشه یکسان پشت و پناه مردمان ساخته است:

فلک‌ها یک اندر دگر بسته شد      بچنیید چون کار پیوسته شد

(ب ۴۶)

در کتیبه‌های مربوط به هخامنشیان آمده است: «خدای بزرگ است اهورامزدا، کسی که این زمین را آفرید، کسی که آن آسمان را آفرید، کسی که مردم را آفرید، کسی که از برای مردم روشنایی آفرید».

پورفیروس یکی از مورخان یونانی هم می‌گوید: «پیکرش مانند روشنی و در دانش بسان راستی است».

فیلوس (پیلوس) نویسنده یونانی از زبان زرتشت گوید: «اوست نخستین و فناپذیر و جاودانی. نه از کسی تولد یافت و نه از چیزی است قابل تقسیم، بی‌مانند و نظیر است، آفریننده کلیه چیزهای نیک است». (یسنا، ۱۳۸۰)

بسیاری از صفات و ویژگی‌هایی که در گات‌ها و خرده‌اوستا و مینوی خرد و بندهشن و سایر متون پهلوی درباره دین زرتشتی وجود دارد، در مقدمه و دیباچه شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی هم به‌نوعی مشاهده می‌شود و ناشی از دین‌باوری و اعتقادات راسخ این حکیم بلندمرتبه است که در بند ۱۱ - هات ۳۱ یسنا دعا کرده است: «ای خداوند خرد،

تطبیق دیباچه شاهنامه با متون زرتشتی ۱۳۹

هنگامی که در روز ازل جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بخشیدی، خواستی تا هرکس به دلخواه خود با کمال آزادی کیش خود را برگزیند».

الف - مشابهت‌ها (صفات خداوند در گات‌ها) و اشعار حکیم فردوسی<sup>(۱)</sup>:

۱. توانا و نیرومند

که یزدان زناچیز چیز آفرید      بدان تا توانایی آرد پدید

(ب ۳۶)

۲. فرمانبردار بر همه چیز:

پرستنده باشی و جوینده را      به ژرفی به فرمانش کردن نگاه

(ب ۱۳)

۳. برتر و بالاتر از همه:

زنام و نشان و گمان برتر است      نگارنده برشده پیکر است

(ب ۴)

۴. آگاه از راز نهان و آشکار:

تویی کرده کردگار جهان      ببینی همی آشکار و نهان

(ب ۳۱)

۵. اندیشه به او راه ندارد:

نیابد بدو نیز اندیشه راه      او برتر از نام و از جایگاه

(ب ۶)

۶. آفریننده جهان و هرچه در آن است:

خداوند کیوان و گردان سپهر      فروزنده ماه و ناهید و مهر

(ب ۳)

۷. بخشنده خرد پاک و اندیشه روشن:

خرد بهتر از هرچه ایزد بداد      ستایش خرد را به از راه داد

خرد رهنمای و خرد دلگشای      خرد دست گیرد به هر دو سرای  
(ب ۱۸ و ۱۹)

۸. بخشنده و بخشایشگر و مهربان:

ازو شادمانی وزویت غمی است      وزویت فزونی وزویت کمی است  
(ب ۲۰)

۹. سرچشمه همه زیبایی‌ها و نیکویی‌ها:

همه نیکیت باید آغاز کرد      چو با نیکنامان بوی هم‌نورد  
(ب ۱۱۷)

در خرده‌اوستا (۱۳۸۰) آمده است: به نام و ستایش آن که همیشه بوده است و همیشه هست و همیشه خواهد بود. او نیکی‌دهش، بخشنده نیکی‌ها است که در عالم معنوی یکتا است. آفریننده بزرگی که به نیروی دانش خود آسمان گرد و خورشید تابان و ماه روشن و ستارگاه بی‌شمار و باد و هوا و آتش و آب و زمین و نباتات و حیوانات و فلزات و مردم را آفرید. خدای نیکوکاری که بشر را از تمام مخلوقات گیتی برتر آفرید و به‌وسیله نطق و بیان و هوش و خرد و به یاری او شهریاری مخلوقات و نگهداری آفرینندگان بخشید:

روان اندرون گوهر دلفروز	کزو روشنایی گرفتست روز
که هر بامدادی چو زرین سپر	ز مشرق برآرد فروزنده سر
زمین پوشد از نور پیراهنا	شود تیره‌گیتی بدو روشنا
چو از مشرق او سوی خاور کشد	ز مشرق شب تیره سر برکشد
بدین‌سان نهادش خداوند داد	بود تا بود هم بر این یک نهاد

(ب ۱۵، ج ۱، ص ۲۸)

در مینوی خرد، درباره پدیدآمدن آفتاب و ماه و روان بودن آن دو تعبیر درخور توجهی آمده است:

حرکت خورشید و ماه اساساً برای روشن ساختن جهان و رشد دادن به همه زاییدنی‌ها و رویدنی‌ها و درست داشتن روز و ماه و سال و تابستان و زمستان و بهار و پاییز و همه

حساب‌ها و انگاره‌های دیگری است که مردمان می‌توانند دریابند و ببینند و بدانند و به‌سبب گردش خورشید و ماه بیشتر معلوم می‌شود:

چراغ است هر تیره شب را بسیج به بد تا توانی تو هرگز میبج  
چو سی روز گردش بی‌پیمایدا دو روز و دو شب روی نسنمایدا  
پسید آید آنگاه باریک و زرد چو پشت کسی کز غم عشق خورده  
چو بیننده دیدارش از دور دید هم اندر زمان او شود ناپدید  
(ب ۷-۱۰، ج ۱)

\*\*\*

زیاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و باد و نه از گرد و دود  
در بحارالانوار (۱۴۰۳ هـ. ق.: ج ۵۵، ص ۱۷) روایتی از پیامبر آمده است که: «العرش  
من یاقوته الحمراء».

در بندهشن به‌صراحت آمده است: «نخست آسمان را آفرید روشن، آشکار و... و از  
خماهن که گوهر الماسی نر است». (ص ۴۰) و در بحث آفرینش کوه‌ها و البرز خماهن  
به‌عنوان گوهر آسمان یاد شده است. تعاریفی که درباره‌ی خماهن در دست است این تلقی  
را به‌دست می‌دهد که خماهن می‌تواند همان یاقوت سرخ باشد. طلوع و غروب خورشید،  
فلق صبح و شفق غروب، نماد روشنی از خماهن است.<sup>(۲)</sup>

ب- تمایزات بین متون زرتشتی و مقدمه شاهنامه حکیم فردوسی

۱. شناسایی واژگان فلسفی و منطقی زبان پهلوی که البته خود کار مستقل و  
شایسته‌ای است، این پیام را به‌همراه دارد که نباید در شناخت اندیشه‌ی فردوسی متعصب  
بود.

۲. رابطه‌ی انسان با خداوند جان و خرد، از همه‌ی ابعاد باید سنجیده شود.

۳. خرد و عقل‌گرایی وقتی در دیده‌ی فردوسی معتبر است که انسان را به‌سوی خدا جهت

و ارتقا دهد.

۴. این مضمون که خرد نخستین آفریده است و خداوند یگانه نخست خرد را آفرید در متون زرتشتی و مینوی خرد دیده نمی‌شود.

۵. در بندهشن، وقتی از آفرینش سخن گفته شده است، می‌توان دریافت که گویی اهرمن نیز مثل هرمزد ازلی است.

مشابهت اندیشه و نظر در یک حوزه غیر از پایبندی و تقید به آن اندیشه و باور است. بستر اصلی اندیشه و تفکر فردوسی شیعی است و بدون تردید این اندیشه اسلامی است که در سایر جریان‌های دینی، مانند آیین یهودیت و مسیحیت می‌توان مضامینی را که بر این تفکر دلالت دارد شناسایی کرد؛ علاوه بر آن، در اساطیر هندی هم چنین مضامینی دیده می‌شود. اندیشه وی در شکل‌گیری و آفرینش عناصر اربعه یا گوهرهای چهارگانه بیش از هر چیز بازمانده اندیشه فلاسفه یونانی است.

فردوسی همان قدر اسماعیلی است که فلوطینی و همان قدر فلوطینی است که تابع اندیشه و خرد ایرانی است و سرانجام بستر اصلی اندیشه و تفکر شیعی است که نکات مغایرت اندیشه او را با اندیشه اسماعیلی بیان می‌کند. (مهاجرانی، ۱۳۷۲: ۷۵)

برای رسیدن به کنه و مفهوم موردنظر شاعر، به ذکر مقدماتی نیاز است: خرد و جان (عقل و نفس) در فلسفه مشائی نوافلاطونی - که اسماعیلیه و به تبع آنان ناصر خسرو از آن متأثر است - نخستین آفرینش است. ناصر خسرو می‌گوید:

بالای هفت چرخ مدور دو گوهرند / کز نور هر دو عالم و آدم منورند

(گزیده اشعار ناصر خسرو، ۱۳۶۸: ج ۲، ص ۱۷)

بدین‌گونه نخست عقل اول (عقل کلی) از ذات باری تعالی صادر می‌شود و صادر دوم (نفس کلی) نیز از صادر اول (عقل) پدید می‌آید.

به تعبیر ناصر خسرو، این دو گوهر (جان و خرد)، بالای افلاک‌اند و از نظر مرتبه و مقام برتر و بالاترند (همان، ص ۱۷۰). از نظر حکیم توس نیز چیزی برتر از جان و خرد نیست که اندیشه آدمی بدان راه یابد.

سخن‌گستر شروان نیز آورده است:



درین هفت ده زیر نه شهر بالا  
ورای خرد ده کیایی نیایی  
(دیوان خاقانی شروانی، ۱۳۶۹، ۴۱۶)

\*\*\*

در شاهنامه حکیم فردوسی (۱۹۷۱: ج ۹، ص ۱۷۰)، گاهی دل جایگاه احساسات و عواطف است نه جان و روح و خرد جایگاه برینی دارد: (خرد را مکن با دل اندر مفاک) و: (نشسته خرد با دل من به راز).

اعتقاد به باورها و اندیشه‌های یونانی، افلاطونی، آیین زرتشتی براساس متون متعدد، مانند (گات‌ها، یسنا، یشت‌ها، خرده‌اوستا، وندیداد، ویسپرد و سایر متون مثل مینوی خرد و بندهشن، و بیان اندیشه‌های اسلامی همچون مذهب اسماعیلیه، معتزله، اشاعره و سایر مذاهب رایج در آن زمان در دیباچه شاهنامه از ژرفای دانش این حکیم بلندمرتبه و توجه و احترام به ادیان و مذاهب گوناگون حکایت می‌کند که نکته دیگری بر ارجمندی و والامنشی او است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. اشعار حکیم ابوالقاسم فردوسی بر مبنای چاپ دکتر جلال خالقی. ج ۱، تهران: انتشارات روزبهان، ۱۳۷۰ است و در بعضی موارد به چاپ مسکو توجه شده است.
۲. در برهان قاطع، «خماهن»، «سنگ سخت تیره‌رنگ که به سرخی مایل باشد» معنی شده است و بعضی گویند مهره‌ای است سیاه به سرخی مایل؛ و خم آهن‌گون را کنایه از آسمان دانسته‌اند. (خلف تیریزی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۷۰-۷۶۹)

### کتابنامه

- اوستا، گزارش جلیل دوستخواه. ۱۳۷۰. ج ۱. تهران: انتشارات مروارید.  
بندیشن. ۱۳۶۹. گزارنده: مهرداد بهار. تهران: انتشارات توس.  
بندیشن هندی. ۱۳۶۸. تصحیح و ترجمه رقیه بهزادی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات

فرهنگی.

خرده اوستا. ۱۳۸۰. تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود. چ ۱. انتشارات اساطیر.

خلف تبریزی. ۱۳۷۵. برهان قاطع. به اهتمام دکتر محمد معین. چ ۲. تهران: امیرکبیر.

سجادی، ضیاءالدین. ۱۳۶۹. دیوان خاقانی شروانی. انتشارات زوّار.

شعار، جعفر (شارح و انتخاب کننده). ۱۳۶۸. گزیده اشعار ناصر خسرو. چ ۲. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

فردوسی، ابوالقاسم. ۱۹۷۱ م. شاهنامه. چ ۹. چاپ مسکو.

کویاجی، جهانگیر کورجی. ۱۳۷۱. پژوهش‌هایی در شاهنامه. گزارش جلیل دوستخواه. اصفهان: نشر زاینده‌رود.

(علامه) مجلسی. ۱۳۰۳ ه. ق. بحارالانوار. ج ۵۵. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

مهاجرانی. سیدعطاء... ۱۳۷۲. حماسه ملی فردوسی (نقد و تفسیر نامه نامور). چ ۱. انتشارات اطلاعات.

مینوی خرد. ۱۳۶۴. ترجمه احمد تفضلی. تهران: انتشارات توس.

یستا. ۱۳۸۰. تفسیر و تألیف ابراهیم پورداوود. چ ۱. انتشارات اساطیر.